

«عرفان حافظ»: شرحی دیگر بر «دیوان حافظ»

دکتر ذاکره شریف قاسمی

دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو

در هند دانشمندان و شعرا و سخن شناسان و «حافظ شناسان» مختلف بر «دیوان حافظ» شرح نوشته و آنرا بررسی کرده‌اند و در اثر آن شروح متعددی از «حافظ» به‌چاپ رسیده است. یکی از این شرح‌های اشعار «حافظ» «عرفان حافظ» می‌باشد که توسط عالم دین و عارف معروف اوائل قرن بیستم میلادی مولانا اشرف علی تهانوی به اردو نوشته شده است. مولانا اشرف علی تهانوی از علمای دینی معروف هند می‌باشد. او علاقه خاصی به ادبیات عرفانی فارسی داشت و علاوه بر «عرفان حافظ»، بر بعضی اشعار مشکل‌مثنوی معنوی هم شرح نوشته است. نویسنده نامبرده شعرهای متعددی غزل‌های «حافظ» را تا ردیف «خ» برای شرح انتخاب کرده است. وی در معرفی این شرح تعداد زیادی اشعار غزل‌های «حافظ» می‌نویسد که:

«دیوان» «حافظ» در خواص و عوام مقبولیت خاصی دارد. خودم فکر می‌کردم و بعضی از دوستان هم خواستند که اشعار «حافظ» که متضمن تحقیقات و یا حالات باطنی هستند، مورد شرح و توضیح قرار گیرد و اشعاری که حاری محض نکات و لطائف شاعرانه است، از آنها صرف نظر شود. «حافظ» شاعری است صاحب حال و در اشعار خود بیشتر حقایق و معارف را بیان کرده است. بنا بر این شرح نامبرده «عرفان حافظ» نام گذاشته شد.»

می‌دانیم که ترجمه صنعت خاصی است. در ترجمه و شرح شعر ممکن نیست

که تمایلات فکری و ذهنی و عینی مترجم سهمی نداشته باشد. چون مولانا اشرف علی تهانوی خودش عالم و عارف بود و با جنبه‌های مختلف عرفان عملی و نظری آشنائی زیادی داشت، لذا شرح «حافظ» وی برای افهام و تفهیم تصوف و اصطلاحات عرفانی قابل توجه می‌باشد. در ضمن شرح اشعار «حافظ» مولانا اشرف علی تهانوی در تأیید و تصدیق از «مثنوی معنوی مولوی» هم استنباط می‌کند.

مولانا اشرف علی تهانوی بیشتر شعرهای منتخب از غزلیات «حافظ» را شرح نوشته است. یک شعر غزل «حافظ» را نقل می‌کند و سپس شرح آنرا می‌نویسد. بعلاوه بعضی اوقات غزل کامل را نقل می‌کند و تمام اشعار آن غزل را مورد تشریح قرار می‌دهد. بهر صورت اولین غزل دیوان «حافظ» با هفت بیت که دارد برای شرح انتخاب شده و هر شعر این غزل به سبک عرفانی توضیح داده شده است. بطور مثال این مطلع اولین غزل در دیوان «حافظ»:

الا یا ایها السَّاقی ادرکاساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

بدین قرار شرح شده است، ساقی کسیکه شراب می‌دهد مراد ازین محبوب حقیقی است. کاس بمعنی کاسه شراب و مراد از آن جذب عشقی، یعنی ای محبوب حقیقی به این طرف متوجه شوید و کاسه جذب عشق را به من بدهید تا من در راه عشق بتو جذب شوم.

بعد از توضیح بعضی لغات این شعر مولانا تهانوی می‌گوید که در این شعر تحقیق این مسئله بیان شده است که سلوک محض بدون جذب در وصول الی المقصود کافی نیست، سلوک و جذب هوش و بی‌هوشی نیست بلکه اصلاح اخلاق باطنی یا پیروی از اعمال ظاهری است. شعر دیگر این غزل:

بسوی نافه کآخر صبا زان طره بکشاید

ز تاب جمع مشکینش چه خون افتاد در دلها

بدین قرار شرح شده است؛ جمعد درینجا مراد است از جلوگیری از واردات که آنرا در اصطلاح تصرف قبض می‌گویند و از ناله مراد نازل شدن واردات است که به اصطلاح صوفیان بسط تلقی می‌شود. قبض را با جمعد و بسط را با طره تعبیر کردن مهارت شاعرانه «حافظ» را نشان می‌دهد. صبا در این شعر مراد است از فیض مرشد. «حافظ» در این شعر می‌گوید که در حال قبض سالک باید ناامید و دل شکسته نشود. در حال قبض هزاران مصلحت پوشیده است. مصلحت ظاهری این است که سالک از قبض انکاری و شکستگی را یاد می‌گیرد. او خود را ناچیز و حقیر می‌پندارد، عجب و پندار از او دور می‌شود و این تمام امور بدون مجاهده بدست او نمی‌آید، در نتیجه حصول این مقامها بعضی محققین گفته‌اند که قبض از بسط بهتر است. بنا بر این از حال قبض باید ناامید نشود، صبر کند و منتظر فرصتی باشد که بسط نصیب او گردد و در حال قبض باید به مرشد خود رجوع کند. و این تنها مرشد است که ما را از حال قبض به حال بسط می‌آورد. مولانا تهانوی عقیده دارد که این مطلب در این ابیات زیر «مولانا روم» با صراحت بیشتری بیان شده است:

چونکه قبضی آیدت ای راه رو آن صلاح نست واپس دل مشو
چونکه قبض آمد تو در وی بسط بین تازه باش و چنین میفکن بر جبین

این شعر دیگر معروف «حافظ»:

دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
به این نعر شرح شده که در این شعر اشاره به این حقیقت شده که ضبط و اخفاء احوال باطنی بهتر است بوجه زیر:

اول در این صورت سالک پیشرفت زیاد می‌کند، درم در اظهار احوال باطنی احتمال می‌رود که مدح و اعتقاد مردم نسبت به او عجب و پندار در سالک به وجود آورد. سوم اظهار بعضی امور باعث بی‌آرامی در عموم مردم بنا بر

لا علمی آنها می‌شود. بنا بر این بهتر است که سالک غالب علی‌الحال باشد نه مغلوب‌الحال.

مولانا اشرف علی تهانوی نکات عرفانی را در شعر «حافظ» جستجو کرده است. اولین بار نیست که شعر «حافظ» بسبب عرفانی شرح شده باشد ولی یک نفر عالم دین و عارف نامبرده هندی اولین مرتبه شعر «حافظ» را بذوق و فریحه خود در «عرفان حافظ» بررسی نموده است بنا بر این «عرفان حافظ» حایز اهمیت فراوانی است و باید از اردو بفارسی برگردانده شود.

دلسم در عاشقی آواره شد، آواره‌تر بادا
 تنم از بیدلی بیچاره شد، بیچاره‌تر بادا
 رخت تازه است، بهر مردن خود تازه‌تر خواهم
 دلت خاره است، بهر کشتن من خاره‌تر بادا
 گرای زاهد و دعای خیر می‌خواهی مرا این گو
 که آن آواره کبوی بستبان آواره‌تر بادا
 دل من پاره گشت از غم نه زانگونه که به گردد
 اگر جانان بدین شاد است یارب پاره‌تر بادا
 همه گویند کز خونخواریش خلقی بجان آمد
 من این گویم که بهر جان من خونخواره‌تر بادا